

گفتارهایی درباره «تقریب مذاهب»

آیه‌الله محمد علی تسخیری *

چکیده:

در این مقاله با اشاره به ریشه‌ایده‌تقریب مذاهب اسلامی در آموزه‌های اصیل اسلام، به کوشش اندیشمندان در این موضوع به صورت کوتاه اشاره شده و برای تبیین بیشتر «تقریب مذاهب» از امور زیر یاد شده است: شیوه بیانیه و قطع‌نامه‌های عمومی؛ شیوه تدوین استراتژی؛ اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت؛ برنامه سالانه؛ الگو قرار دادن اسلام و...

در بخش معرفی فعالیت‌های صورت گرفته در موضوع تقریب در قرن اخیر، از دارالتقریب قاهره، تجربه مؤسسه خیریه آیت‌الله خوبی (در لندن)، تجربه علمی «ایسکو»، کوشش مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و استراتژی آن، «سند عمان» در بیانیه صادره از سوی کنفرانس بین‌المللی اسلامی با عنوان «حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه معاصر» و نیز قطع‌نامه شورای «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» در هفدهمین نشست، و سند مربوط به حوادث عراق که در مکه به امضای عالمان شیعه و سنی عراق رسیده، سخن به میان آمده و در پایان مقاله، متن «منشور وحدت اسلامی» که برای بیست و یکمین کنفرانس وحدت اسلامی در تهران (اردیبهشت ۱۳۸۷ ه.ق) پیشنهاد شده بود، آورده شده است.

کلیدواژه‌ها: تقریب مذاهب، شیوه بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌های عمومی، شیوه تدوین استراتژی، دارالتقریب قاهره، استراتژی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، منشور وحدت اسلامی، مؤسسه خیریه آیت‌الله خوبی.

مقدمه:

ایده تقریب مذاهب اسلامی ریشه در آموزه‌های اصیل اسلام، از جمله موارد زیر دارد:

- ۱- فراخوان عام اسلام به گفت‌وگو با دیگران به این اعتبار که گفت‌وگو، وسیله‌ای فطری - انسانی

* دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

برای تبادل نظر با دیگران است. در متون اسلامی، برترین و کامل‌ترین نظریه برای روند منطقی گفت‌وگو (شالوده‌ها، پیش فرض‌ها، موضوع‌ها و شرایط آن) پی‌ریزی شده است.

۲- فراخوان اسلام به اندیشیدن و خردورزی و تأمل و در پی آن، خردگرایی در برخورد با مسائل.

۳- فراهم آوردن زمینه‌های کاملاً آزاد اجتهاد، در چارچوب ضوابط منطقی و قانون‌مند.

۴- پرورش انسان مسلمان بر اساس کشف گسترده‌های مشترک با دیگران به رغم اختلاف‌های

موجود.

۵- فراخوان مسلمانان به برقراری رابطه برادرانه با یک‌دیگر که طبیعت همه احکام اسلامی نیز

بر آن تأکید می‌کند.

۶- تأکید بر این‌که وحدت، ویژگی اصیل جامعه اسلامی است که بدون آن، جامعه اسلامی

نمی‌تواند با ذات قرآنی خویش هم‌سویی داشته باشد.

۷- تأکید بر روشن بودن مرزهایی که اسلام برای ورود به چارچوب امت اسلامی یا خروج از آن در

نظر گرفته است.

از همین روست که شاهد استقبال بسیار خوبی از ایده تقریب - به هنگامی که به صورت حرکت

سازمان یافته‌ای در دهه چهارم قرن گذشته میلادی شکل گرفت- بودیم. مؤسسان و رهبران این

حرکت را گروهی از علمای بزرگ تشکیل می‌دادند که خود به مذاهب اسلامی گوناگون وابسته بودند.

از جمله وسایلی که این حرکت برای بیان ویژگی‌ها، شعارها، اهداف و پیام‌های خود به کار گرفت،

صدور و انتشار اسناد بین‌المللی مشترک بود. این اسناد، اشکال متنوعی داشت؛ برخی به صورت

بیانیه‌های مشترک و برخی دیگر به صورت ارائه «راهبرد» (استراتژی) و گونه‌ای نیز به شکل

منشورهایی بود که از سوی علمای مختلف و به عنوان تعهدی در عمل و حرکت بر اساس آن، از سوی

ایشان، به امضا می‌رسید.

در این مقاله سعی خواهیم کرد به هر کدام از این انواع، اشاره نماییم:

الف: شیوه بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌های عمومی:

این عرصه، یکی از گسترده‌ترین عرصه‌های مطرح در این زمینه است، زیرا به دنبال برگزاری

ده‌ها گردهمایی و کنفرانس بین‌المللی در سرتاسر جهان، از جمله کنفرانس‌های بین‌المللی وحدت

اسلامی که همه ساله از سوی «جمهوری اسلامی ایران» در هفته وحدت برگزار می‌شود و نیز

کنفرانس‌های دیگری که در شهرهای مکه مکرمه، آنکارا، حلب، دمشق، بیروت، عمان (اردن)،

دارالسلام (تانزانیا)، مسکو، پیشاور (پاکستان)، نایروبی، مسقط (عمان)، کویت، بحرین، تاشکند

(ازبکستان)، خارطوم، قاهره، لاگوس(نیجریه)، الجزائر، رباط، بانکوک (تایلند) برگزار شده، بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌هایی در همین راستا صادر گردیده است.

هم‌چنین می‌توان بیانیه‌ها و قطع‌نامه‌هایی را که سازمان‌ها و مجامع جهانی، از قبیل سازمان «ایسسکو»، «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» و ... صادر کرده و به طور قطع در شکل‌دهی و تدوین مواضع استراتژیک و اسناد یاد شده، نقش داشته است، به این بخش افزود.

ب- شیوه تدوین استراتژی

برای ارائه ایده‌ای در مورد استراتژی، اصطلاحات زیر مطرح می‌گردد:

۱- رسالت نهاد، وزارتخانه یا حتی دولت در گستره‌ای معین، که مراد از آن تبیین فلسفه وجودی و علت شکل‌گیری آن است.

۲- هدف‌های رسمی: به مجموعه اهداف عالی و شعارهای عام و غیر قابل تغییری اطلاق می‌شود که بیان‌گر ابعاد رسالت هر نهاد یا مؤسسه‌ای است.

۳- چشم‌اندازها: تصویر یا تصویری است که هر مؤسسه یا نهادی در پایان راه مشخصی طی مدت برنامه‌ریزی شده‌ای که گاه به بیست سال یا بیشتر می‌رسد - برای خود در نظر می‌گیرد؛ این چشم‌انداز باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

الف- منعکس‌کننده سرفصل‌های هدف‌های رسمی و بیان‌گر آینده مؤسسه یا نهاد مورد نظر به صورت روشن‌تر باشد؛

ب- باید با اعطای ابعاد محسوس به این چشم‌اندازها یا طرح مثال‌ها و نمونه‌های تحقق یافته در گذشته، تشخیص آنها را آسان سازد؛

ج- برخوردار از جاذبه گسترده‌ای باشد که به لحاظ فکری و عاطفی، دست‌اندرکاران مؤسسه یا نهاد را به خود جلب کند و تحقق بخش منافع و خواست‌های همه علاقه‌مندان باشد.

د- تحقق آنها امکان‌پذیر باشد؛

ه- برخوردار از ویژگی شکل‌دهی به سمت و سوی حرکت و فاقد هرگونه ابهام باشد؛ و- دارای خاصیت انعطاف‌پذیری و برخوردار از همه شرایط باشد؛

ز- تشریح نمودن آن آسان بوده و به سادگی قابل انتقال به اذهان دیگران باشد.

این تصویر یا تصوورها باید دارای هدف‌هایی باشد، از جمله:

۱- روشن بودن سمت‌گیری عام مؤسسه، به گونه‌ای که اختلاف نظر دست‌اندرکاران آنرا برطرف نموده و راه را برای برنامه‌ریزی و طراحی کارها هموار سازد و مانع از اختلاف در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی شود که به طور مرتب در مورد هدف اقدامات که صورت گرفته، مطرح می‌گردد.

۲- ایجاد انگیزه در میان دست‌اندرکاران و سامان‌دهی حرکت آنها و قرار دادن این حرکت در چارچوب کلی، مشروط بر آن‌که این چشم‌اندازها انگیزه‌های لازم را برای تداوم حرکت، در آنها فراهم آورد و دیگر نیازی به کنترل و بازرسی وجود نداشته باشد.

۳- ایجاد هماهنگی میان فعالیت‌های گوناگون، زیرا وجود چنین چشم‌اندازی، نگاه مسئولان را از موفقیت‌های خرد به موفقیت‌های گروهی منعطف می‌سازد.

۴- استراتژی (راهبرد):

گاه استراتژی، تنها بیان اهداف رسمی تلقی می‌شود، حال آن‌که گرایش مورد نظر ما و استراتژی‌های رسمی و شناخته شده، آن را مشتمل بر موارد زیر می‌داند:

۱- مقدمه‌ای در تعریف مفاهیم و اصطلاحات که به دلیل اهمیت آن، عنوان اولین فصل را به‌خود اختصاص می‌دهد؛

۲- مشخص ساختن رسالت مؤسسه؛

۳- مشخص ساختن هدف‌های رسمی مؤسسه؛

۴- مشخص ساختن چشم‌اندازهایی که برای مؤسسه در نظر گرفته شده است؛

۵- مشخص ساختن گستره‌های فعالیت مؤسسه؛

۶- مشخص ساختن ارزش‌ها و سیاست‌های حاکم بر روند حرکت مؤسسه؛

۷- مشخص ساختن شیوه‌ها و ابزارهای عام در تحقق هدف‌ها.

۸- هدف‌های مرحله‌ای بلندمدت:

معمولاً این هدف‌ها برای برنامه‌های پنج ساله در نظر گرفته می‌شود و وجه بارز آنها، روشنی بیشتر، دقت بالاتر ارقام و داده‌ها، نزدیکی بیشتر به واقعیت ملموس و عینی و قابلیت تقسیم آن به دوره‌های کوتاه‌تر و حتی سالانه است.

۹- هدف‌های کوتاه مدت:

این هدف‌ها با توجه به اهداف بلندمدت و به صورت ریزتر در نظر گرفته شده و معمولاً سالانه می‌باشد.

۱۰- برنامه سالانه:

در این برنامه، تمامی جزئیات و بودجه دقیق و کادر لازم برای به اجرا گذاشتن آنها با توجه به ارزیابی‌های کلی مراحل قبلی، در نظر گرفته و تعیین می‌شود.

در این روند، موارد زیر قابل توجه است:

۱- هرچه حرکت از کل به جزء باشد، روشنی بیشتری بر برنامه‌ها حاکم بوده و به آن چه محسوس و عینی است، نزدیک می‌گردد.

۲- برنامه‌ریزان ممکن است این مراحل را به سرعت و بدون توجه سپری کنند، ولی پرداختن به جزئیات و ریز شدن در برنامه‌ها، ما را با نقاط ضعف و کاستی‌ها واقف می‌سازد.

الگوی اسلام:

اگر بخواهیم از میان متون و احکام اسلامی نمونه‌ای برای الگوبرداری استخراج کنیم، برای مثال، اگر بر جنبه‌های اقتصادی در جامعه اسلامی انگشت بگذاریم، مشاهده می‌شود رسالتی که این متون بر دوش پیامبران و حاکمان شرع قرار می‌دهند، برقراری جامعه‌ای عدالت پیشه است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقَومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما پیامبرانمان را با برهان‌های روشن فرستادیم و با آنان کتاب و ترازو فرو فرستادیم تا مردم به دادگری برخیزند...» (حدید/۲۵). بنابراین یکی از اهداف پیامبران، برقراری عدالت اجتماعی است. می‌توان در همین راستا به این نتیجه رسید که هدف‌های رسمی در دو مورد اساسی، یعنی تحقق هم‌یاری و هم‌بستگی اجتماعی و تضمین تعادل میان سطوح گوناگون معیشتی، خلاصه می‌گردد. در پرتو چنین هدف‌هایی می‌توان چشم‌انداز را این‌گونه رقم زد: «رسیدن به جامعه‌ای که با تمام توان در جهت توسعه و رشد تولید بکوشد.»

ضمن این که در عرصه توزیع نیز باید دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- تأمین نیازهای ضروری و طبیعی همه افراد را تضمین نماید؛

۲- نوعی تعادل در سطح زندگی برآن حاکم باشد.

این چشم‌انداز همه ویژگی‌های لازم را با خود به همراه دارد؛ هم منعکس کننده اهداف رسمی قابل تشخیص برای همگان است، زیرا ابعاد محسوس و ملموسی دارد، و هم این‌که هدف آن، جذاب و قابل تحقق است و از انعطاف‌پذیری نیز برخوردار است و علاوه بر اینها، توضیح آن برای دیگران بسیار ساده است.

برای تحقق این اهداف باید سیاست‌های معینی از جمله موارد زیر اعمال گردد:

۱- تلاش جدی برای به کارگیری همه نیروها و فراهم آوردن عرصه‌ها و ابزارها و پیش نیازهای

آن و توسعه توانایی‌های علمی لازم؛

۲- کوشش در جهت از میان برداشتن هرگونه اسراف و تبذیر و ممانعت از به‌هدر رفتن ثروت‌های

انسانی، حیوانی و طبیعی و نیز پیش‌گیری از برخورداری گروهی اندک از میزان رفاه بسیار بالا در زندگی؛

۳- حمایت از افراد ناتوان برای رسیدن به خط بی‌نیازی - به تعبیر متون اسلامی- از طریق بالا

بردن سطح بیمه اجتماعی همگانی.

اسلام امکانات طبیعی و تشریحی لازم را فراهم آورده است. بر اساس این، اهداف مرحله‌ای بلند مدت و کوتاه مدت، با یکدیگر هماهنگی می‌یابند و برنامه‌های پنج ساله و سپس برنامه‌های سالیانه واقع‌گرایانه‌ای، تنظیم می‌گردد. در این جا لازم است به برخی تجربیات اشاره شود:

۱- دارالتقريب قاهره

در این تجربه پیش‌تاز، می‌توان نشانه‌های بسیاری را یافت هر چند خطوط استراتژیک آن کاملاً روشن نبوده است.

در اولین بیانیه‌ای که در شماره نخست مجله «رسالة الاسلام» با امضای «علامه شیخ عبدالمجید سلیم» رئیس کمیته فتوا در «الازهر الشریف» صادر شد، از پایه‌هایی که «تقريب» بر آنها استوار شده سخن به میان آمده و بیان گردیده که در احکام و اصول ثابت، جایی برای اختلاف وجود ندارد و تنها در احکام اجتهادی است که اجازه اجتهاد داده می‌شود و اجتهاد نیز امری است که شرع آن را پذیرفته است. «علامه شیخ محمد حسین آل کاشف الغطاء» نیز طی مقاله‌ای در تفسیر این بیانیه، با تأکید و توضیح بیشتر در مورد یکی از مهم‌ترین مسائل خلافي، یعنی «امامت»، موافقت کامل خود را با وی اعلام کرد.

به این ترتیب، مشاهده می‌شود که اولین بیانیه «جماعة التقريب» نیز بر این نکته تأکید می‌کند که «قرآن و سنت» دو پایه اصلی اسلام از نظر همه مسلمانان است و گشوده بودن باب آزادی بحث و اجتهاد، سبب شکوفایی و رونق فقه شده است. این بیانیه هم‌چنین یادآور می‌شود که بادهای تعصب، امت را دچار پراکندگی و وارد مرحله رکود و فترت نمود. شاید بتوان در ماده دوم از اساسنامه «جماعة التقريب»، برخی اهداف رسمی آن را ملاحظه کرد. در این ماده، سه مورد زیر مطرح شده است:

- ۱- لزوم تلاش و کوشش برای وحدت کلمه رهبران مذاهب اسلامی؛
- ۲- انتشار اصول اسلامی به زبان‌های گوناگون؛
- ۳- کوشش در حل نزاع‌ها و درگیری‌های ملل و طوایف اسلامی.

۲- تجربه مؤسسه خیریه آیت ا... خویی در لندن

این مؤسسه، کنفرانسی را در دهم دسامبر ۱۹۹۹ م. یعنی در روزهای پایانی قرن بیستم میلادی (برابر با ۱۳۷۸/۱۰/۱۹ ه. ش و مصادف با ۲۳ ذی‌الحجّة ۱۴۲۰ ه. ق) در «دمشق» برگزار نمود که

در آن بر مسئله استراتژی تقریب مذاهب اسلامی تأکید گردید. در این کنفرانس که تنی چند از علمای مذاهب مختلف اسلامی و اندیشمندیانی از مراکز و حوزه‌های علمیه جهان اسلام و خارج از آن شرکت داشتند، بر دیدار و گفت‌وگوی علما با یک‌دیگر، نزدیکی اندیشه و وحدت تأکید شد و در بیشتر سخنرانی‌ها، موارد زیر مورد توجه و تأکید قرار گرفت:

- ۱- ادب گفت‌وگو؛
- ۲- کنترل بحران‌های مذهبی؛
- ۳- فرهنگ «تقریب»؛
- ۴- مطالعات مقایسه‌ای؛
- ۵- اهمیت اجتهاد؛
- ۶- نقش نهادها در روند «تقریب»؛
- ۷- ضوابط نقد علمی؛
- ۸- استراتژی و راهبرد «تقریب»؛
- ۹- پیشینه‌های اختلاف میان مسلمانان؛
- ۱۰- نمودهای تفرقه میان مسلمانان؛
- ۱۱- برنامه‌های عملی برای کاستن از فاصله‌ها؛
- ۱۲- ایده اسلام منهای مذاهب؛
- ۱۳- ضرورت «تقریب».

در بیانیه پایانی نیز موارد زیر فراخوان شد:

- ۱- تلاش سازمان‌ها و مؤسسات برای تحقق «تقریب»؛ مطالعات فزنی
 - ۲- همگانی سازی فرهنگ «تقریب»؛
 - ۳- کوشش در انتشار کتاب و نشریات دوره‌ای؛
 - ۴- بهره‌گیری از ابزارهای رسانه‌ای؛
 - ۵- پذیرش فرهنگ «تقریب» از سوی وزارتخانه‌های آموزش و پرورش [کشورهای اسلامی]؛
 - ۶- سامان‌دهی دیدارهای «تقریبی» توسط سازمان‌های فرهنگی؛
 - ۷- تأکید بر این مطلب در خطبه‌های نماز جمعه و حوزه‌ها و جلسات درس‌های دینی.
 - ۸- عدم برانگیختن اختلاف‌های مذهبی، از سوی مؤلفین؛
 - ۹- روان‌سازی جریان کتاب میان کشورهای اسلامی.
- ولی به رغم مطرح شدن مباحث ارزشمند و اشاره به برخی ابعاد استراتژیک «تقریب» در این

کنفرانس، شاهد پیشرفت ملموسی در این بعد نبودیم، گرچه این امر، مانع از ستایش ما از این کوشش شایسته نیست.

۳- تجربه علمی «ایسسکو»:

«ایسسکو» مهم‌ترین سازمان اسلامی است که به «تقریب» به مثابه هدفی استراتژیک توجه نموده است، زیرا مرجع متخصص این موضوع است و مدیران «ایسسکو» به ویژه بر این امر اهتمام دارند و ریاست آن «استاد دکتر عبدالعزیز التویجری» چشم‌اندازهای گسترده‌ای فرا روی آن قرار داده است. «ایسسکو» در این راستا اقدام به تدوین استراتژی‌های زیر نموده است:

- استراتژی فرهنگی جهان اسلام (سال ۱۹۹۱م):

- استراتژی پیشرفت و توسعه علوم و فناوری در کشورهای اسلامی (۱۹۹۷م):

- استراتژی فعالیت‌های فرهنگی در غرب (سال ۲۰۰۰م):

- استراتژی بهره‌گیری از مغزهای مهاجر در غرب (سال ۲۰۰۲م).

هم‌چنین این سازمان، توجه جدی به مسئله «تقریب مذاهب اسلامی» داشته و در این مورد دو سمینار، یکی در سال ۱۹۹۱م. و دیگری در سال ۱۹۹۶م. برگزار نمود و تدوین «طرح استراتژی تقریب مذاهب اسلامی» را به گروهی از علما و خبرگان واگذار کرد که پس از تهیه، به سی‌امین نشست کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی (که در سال ۲۰۰۳م. در تهران برگزار شد) ارائه گردید و در آن‌جا مورد تأیید قرار گرفت و سپس به دهمین کنفرانس سران اسلامی در «بوتراجایا» (مالزی) ارائه شد و در آن‌جا نیز مورد موافقت قرار گرفت.

«استراتژی تقریب مذاهب اسلامی» با مقدمه‌ای آغاز شده که در آن، بر نکات زیر تأکید گردیده است:

۱- شرایط سلامت استراتژی تقریب یعنی: حسن نیت، گفت‌وگوی مبتنی بر پایه‌های منطقی، یاری گرفتن از کارشناسان و پذیرش این فراخوان از سوی دولت‌ها و علما و مشارکت نهادهای مختلف در موارد اجرایی.

۲- پایه‌های فکری «تقریب» و پیشاپیش آنها:

- پالایش شریعت از اختلاف‌های فکری؛

- کثرت احکام تشریحی که مذاهب مختلف را به هم نزدیک می‌سازد؛

- ثروت فقهی گسترده‌ای که از تعدد اجتهادهایی ناشی شده که خود به تدوین حدیث و گردآوری

دلایل فقهی و گسترش قواعد اجتهاد در راستای صیانت از این روند، منجر شده است.

۳- اهمیت «تقریب» که برخاسته از دو نکته زیر است:

الف - اهداف اسلام در وحدت کلمه؛

ب - اقتضای وضع و حال کنونی مسلمانان.

۴- مسئولیت گروهی «تقریب» که بر دوش دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیر دولتی

قرار دارد.

۵- اختلاف در «فروع» و «اصول»، زیرا مذاهب و مکتب‌های فقهی - بدون استثنا - اجتهادهای خود را در مورد فروع، اعمال کرده‌اند و از این نظر پاسخ‌گویی تنوع امت و منافع بخش‌های مختلف آن بوده‌اند و پیشوایان مذاهب نیز بی‌هیچ تکلفی، به شاگردی در محفل درس دیگران نشسته و دیگری را پذیرفته‌اند و به رغم اختلاف نظر، از هم‌دیگر نگسسته‌اند. اختلاف فقهی میان فقه جعفری و فقه مذاهب اهل سنت، بیش از اختلاف‌های موجود میان خود مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست و علاوه بر این، چنین اختلاف‌هایی به تضعیف وجود واحد امت نمی‌انجامد، زیرا گستره آنها، مسائل فرعی است و تکیه دایره‌المعارف‌های علمی به مذاهب فقهی هشت‌گانه و مثلاً فتوای «الازهر الشریف» در جواز تعبد بر مذهب جعفری و پذیرش تدریس آن در حوزه‌ها و مراکز علمی - دینی [اهل سنت] نمونه بسیار درستی از تنوع به شمار می‌رود و ما اینک بیش از هر زمان دیگر به گسترش ضابطه‌مند اجتهاد در چارچوب وحدت اصول نیاز داریم.

«تقریب»، ضمن دوری از اختلاف‌های عقیدتی و نفی عناصر تکفیر و انتقال اختلاف‌ها از گزینه‌های کفر و ایمان به گزینه خطا و صواب، مطلوب است.

در فصل اول «استراتژی تقریب مذاهب اسلامی»، از «فقه اختلاف» و کوشش‌های «تقریب» سخن به میان می‌آید و در آغاز، توطئه‌های دشمنان امت و شدت گرفتن اختلاف‌های کور میان طوایف مختلف مسلمانان و به هم خوردن معیارهایی را که قرآن کریم از آن بر حذر داشته است، خاطر نشان می‌شود و سپس احادیث شریفی درباره اهمیت وحدت و هم‌دلی و احترام گذشتگان به دیدگاه‌های مخالفان و پاسداری ایشان از برادری مسلمانان بیان می‌شود و در عین حال بر موارد زیر تأکید می‌گردد:

۱- «تقریب» نه به معنی ذوب مذاهب در یک‌دیگر بلکه گامی در جهت هم‌دلی است؛

۲- ضرورت جداسازی اختلاف‌های فکری طبیعی از یک سو و روند حوادث خونین تاریخی از

سوی دیگر؛

۳- تبلیغ نامناسب درباره مذاهب، پراکندگی امت را در پی دارد.

آن‌گاه از کوشش‌های به عمل آمده در راه «تقریب» - از هنگامی که نشانه‌های تفرقه در قرن دوم

هجری آغاز گشت و اختلاف‌های سیاسی بر شدت و حدت تعصب‌ها و اختلاف‌های [فقهی] افزود - سخن به میان آمده است و در ادامه آورده شده که حضرت علی علیه السلام به رغم اختلاف با برخی صحابه و حوادثی که در جریان حکومتش مطرح شد، هرگز کینه‌ای به دل نگرفت و اجازه نداد کسی علیه خلفای راشدین پیش از وی، سخن ناروایی به زبان آورد.

از آن گذشته، پیشوایان مذاهب خود از یک‌دیگر کسب دانش می‌کردند و دست یاری به یک‌دیگر می‌دادند؛ «شریف رضی» در تفسیر خود از علمای اهل سنت روایت کرده و «سیوطی» نیز یادآور شده که «صحيح مسلم» سرشار از [رجال] شیعی است.

در قرن چهارم هجری، مناظره‌های علمی میان «باقلانی» و «شیخ مفید» شهرت داشت و «شیخ طوسی» (از بزرگان علمای شیعه در قرن پنجم هجری) چنان در شیوه متعادل و منطقی خود شهرت پیدا کرده بود که خلیفه عباسی مهم‌ترین کرسی علمی آن زمان را به وی واگذار کرد، هم‌چنین «فخر رازی» نزد «شیخ سدید الدین حلی» شاگردی نمود و «شهید اول» در محضر چهل تن از علمای اهل سنت، دانش آموخت. در قرن نوزدهم میلادی با پدیده‌هایی چون «سید جمال‌الدین اسدآبادی» و «رشید رضا» روبه‌رو بودیم و در نیمه قرن بیستم میلادی، «دارالتقریب» در قاهره تأسیس گردید و مؤسسه اردنی «أل البیت» نیز در این زمینه، نقش به‌سزایی داشت و در سال ۱۹۹۱م. «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در تهران تأسیس شد و به همین ترتیب، فعالیت‌ها ادامه یافته است. در فصل دوم، بیشتر بر مفاهیم و منابع «تقریب» تأکید شده و پس از بیان تعریف‌های کوتاهی از مفاهیمی چون «استراتژی»، «تقریب»، «مذاهب»، «اختلاف» و «مسائل»، از منابع و دلایلی سخن به میان آمده که خود به دو بخش زیر تقسیم می‌شود:

۱- دلایل نقلی: شامل کتاب (قرآن مجید)، سنت نبوی و به دنبال آنها، اجماع.

۲- دلایل عقلی: هم‌چون «قیاس»، «مصلح مرسله»، «استحسان»، «عرف»، «سد الذرائع»، «استصحاب» و «عقل» که برخی مورد توافق همگان و برخی دیگر نقلی و مورد اختلاف است و فهم دقیق آنها منجر به «تقریب» می‌شود.

در «فصل سوم»، از پیدایش و شکل‌گیری مذاهب و تحولات آنها سخن گفته شده و سه عرصه زیر بررسی گردیده است:

۱- عرصه سیاسی؛ بر آن است که فتنه در عهد خلیفه سوم، مسلمانان را در زمان علی علیه السلام به «خوارج»، «شیعه»، «مرجئه» و «اهل سنت و جماعت»، تقسیم کرد.

۲- عرصه عقیدتی؛ که طی آن، مسلمانان در مورد امامت و مسئله ایمان و کفر، قضا و قدر و صفات الهی، دچار اختلاف گشتند. در این عرصه، از مذاهب مختلف و شیوه‌ها و روش‌ها و برخی قواعد هر کدام، سخن به میان می‌آید.

فصل پنجم

فصل پنجم / شماره چهارم

۳- عرصه فقهی؛ که به بیان روند فقهی می‌پردازد و به تفصیل از مذاهب «حنفی»، «مالکی»، «شافعی»، «حنبللی»، «جعفری»، «زیدی» و «اباضی» بحث می‌کند.
فصل چهارم، با عنوان «عرصه‌های تقریب»، به ابزارهایی چون گفت‌وگوی فکری، پژوهش، مطالعه، رسانه‌ها و تألیف می‌پردازد و سخن از اقلیت‌های اسلامی در کشورهای غیر اسلامی نیز در پایان فصل به آن پیوست شده است.

در فصل پنجم، اهداف «تقریب» بیان می‌شود، که عبارت است از:

- ۱- کوشش برای کاستن از اختلاف میان مکتب‌های اجتهادی؛
- ۲- اثبات این‌که اختلاف‌ها جوهری نیست و تنها جنبه اجتهادی دارد؛
- ۳- شناسایی حقیقت «تقریب»؛
- ۴- توجه به این نکته که گستره‌های خلافاً تنها شامل یک مذهب نمی‌شود؛
- ۵- هم‌دلی پیروان مکتب‌های مختلف اجتهادی؛
- ۶- تأکید بر این امر که گستره‌های مشترک، خیلی بیش از گستره‌های اختلافی است؛
- ۷- آشنایی علمی با ریشه‌های اختلاف، به منظور شناخت پتانسیل‌های موجود و تسهیل در خاموش ساختن فتنه‌های نهفته.

و سرانجام، در فصل ششم، راه‌های اجرای استراتژی و اقدامات عملی در سطوح مختلف ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی شده است.

در پایان ارائه خلاصه‌ای از این استراتژی، یادآوری چند نکته ضروری است:

۱- این اقدام، فی نفسه اقدامی جالب و ابتکاری است که شایسته است از این سازمان پیشتاز، سپاسگزاری گردد.

۲- این استراتژی در چند مورد نیاز به اصلاح دارد، از جمله:

الف - تکرار چندباره برخی مطالب؛
ب - بسیاری از پیشوایان مذهبی به شاگردی در محضر «امام صادق» علیه السلام نشستند ولی آن حضرت شاگردی کسی از ایشان را نکرد.

ج - مواردی که با عنوان «ادله عقلی» از آن یاد شده، از جمله «استصحاب»، دلیل عقلی به شمار نمی‌رود و در ردیف «دلایل اجتهادی» و اصلی عملی است.

د - در بحث از پیدایش و شکل‌گیری مذاهب نیز اشتباهاتی وجود دارد.

۳- مواردی وجود دارد که حتی در صورت پذیرش تعریف استراتژی مطرح در آن باید از متن استراتژی حذف شود (فصل سوم) و علاوه بر این، تداخل‌هایی از عرصه‌های مختلف در فصل‌های استراتژی صورت گرفته است.

در هر حال، کار قابل تحسین و ارزشمندی صورت گرفته که به طور قطع در تدوین استراتژی پیشنهادی، مؤثر خواهد بود.

۴- کوشش «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»

این طرح در پرتو تعریف‌های علمی و تجربیات گذشته تنظیم گردید و در تاریخ ۲۳ و ۲۴ دسامبر ۲۰۰۵ میلادی (۳ و ۲ دیماه ۱۳۸۴ هجری شمسی) از تصویب «شورای عالی تقریب» گذشت و سپس موافقت مجمع عمومی را نیز کسب کرد.

پیش از ارائه اصل این استراتژی، بیان چند نکته توضیحی ضروری است:

۱- این طرح به صورت فشرده و مختصر مطرح شده و از برنامه عملی آینده سخن می‌گوید، از این رو همه توضیحات و مقدمات به بخش نخستین واگذار شد که کمیته تخصصی ویژه‌ای آن را تهیه و تدوین خواهد کرد و در این جا به آن پرداخته نمی‌شود.

۲- فصل‌های استراتژی، دارای یک ترتیب منطقی به قرار زیر می‌باشد:

فصل اول: ویژه مفاهیم اساسی است و تعریف‌های ارائه شده در آن کاملاً مشخص است.

فصل دوم: به ارائه شالوده‌هایی می‌پردازد که «تقریب» بر آن استوار می‌گردد.

فصل سوم: بر رسالت «مجمع» و چشم‌اندازهای آن تأکید می‌نماید.

فصل چهارم: از گستره‌های فعالیت «تقریبی» سخن می‌گوید.

فصل پنجم: در مورد ارزش‌ها و چارچوب‌های حاکم بر این روند بحث می‌نماید.

فصل ششم: از اهداف رسمی و سازمانی که برنامه ده ساله علمی در صدد تحقق بخشیدن به آنهاست، بحث شده است، که با در نظر گرفتن هدف‌های بلند مدت و تعیین اهداف کوتاه‌مدت یک ساله، برنامه‌های سالانه مجمع تنظیم و امکانات مالی و انسانی لازم، تعیین می‌گردد.

۳- چشم‌اندازهای مطرح شده در فصل سوم در بردارنده همان ویژگی‌ها و صفاتی است که در مقدمه بیان گردید، هرچند این امر، مانع از طرح چشم‌اندازهای علمی‌تر و جذاب‌تر دیگر نیست.

۴- این طرح به ابزاری که برای تحقق اهداف آن نیاز دارد، نپرداخته است؛ دلیل آن نیز روشن بودن آنها به صورت کلی و یا طرح اجمالی آنها در اساسنامه «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» است.

استراتژی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، در چارچوب تحقق اهداف و انتظارات خود، اقدام به تهیه و تدوین «طرح جامع برنامه راهبردی خود» نمود و در نشست شورای عالی بین‌المللی در تهران به

نمایش مقبول
سال چهارم / شماره چهاردهم

تاریخ ۳ و ۴ دیماه ۱۳۸۱ ه.ش (برابر با ۲۳ و ۲۴ دسامبر ۲۰۰۲ میلادی / ۱۸ و ۱۹ شوال ۱۴۲۳ ه. ق) آن را به این شورا ارائه داد که پس از بحث، بررسی، مناقشه و تعدیل‌هایی که صورت گرفت، به تصویب رسید.

این طرح، شامل دو بخش است:

بخش نخست بمتابه مقدمه‌ای برای استراتژی، شامل موضوعات گوناگونی از جمله موارد زیر می‌گردد:

الف - تعریف‌های ضروری؛

ب - خلاصه‌ای از تاریخچه شکل‌گیری مذاهب؛

ج - خلاصه‌ای از دلایل اختلاف فقها و دیگران؛

د - نگاهی گذرا و تاریخی به برخورد رهبران مذاهب با یک‌دیگر؛

ه - نگاهی گذرا و تاریخی به نقش حاکمان و منافع شخصی آنان در شعله ور ساختن آتش

درگیری بین مسلمانان و تبدیل مذهب‌گرایی به طایفه‌گرایی ویران‌گر؛

و - نقش برخی از حکام و علما در تحقق تقریب و نزدیکی بین مسلمانان؛

ز - تقریب در عصر کنونی و نقش «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» قاهره؛

ح - چگونگی تأسیس «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی»؛

ط - نقاط ضعف و قوت حرکت مجمع تقریب؛

ی - چشم‌اندازها و انتظارات آینده حرکت تقریب؛

این بخش در آینده آماده خواهد شد.

بخش دوم نیز بر خود «استراتژی» تأکید نموده و شامل فصل‌های زیر است:

فصل نخست: مفاهیم تخصصی

۱- تقریب:

تقریب، طبق دیدگاه‌های مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به معنای نزدیک سازی پیروان مذاهب اسلامی به منظور آشنایی با یک‌دیگر از طریق تحقق هم‌دلی و برادری دینی بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی است.

۲- وحدت اسلامی:

وحدت اسلامی، عبارت است از «همکاری میان پیروان مذاهب اسلامی بر پایه اصول مشترک، ثابت و مسلم اسلامی و در پیش گرفتن موضع یکسان به منظور تحقق اهداف و مصالح عالیه امت

اسلامی و اتحاد در برابر دشمنان امت، ضمن احترام به تعهدات عقیدتی و عملی هر فرد مسلمان نسبت به مذهب خویش».

۳- مذاهب اسلامی:

منظور از مذاهب اسلامی، آن دسته از مکتب‌های فقهی اسلامی معروفی است که دارای نظام اجتهادی منسجم و مستند به قرآن و سنت می‌باشند. مکتب‌های فقهی به رسمیت شناخته شده از نظر مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی عبارت‌اند از: حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی از اهل سنت و مذهب اثنی عشری، زیدی و بهره از شیعه و مذهب اباضی.

البته مکتب‌های دیگری نیز وجود دارد که یا فاقد پیرو هستند یا در شمار یکی از مذاهب پیش گفته تلقی می‌شوند و یا بیشتر بیان‌گر نظریات فردی بوده و پیروانشان در عمل، مقید به مذهب مشخصی نیستند.

فصل دوم: پایه‌های تقریب

حرکت تقریب مذاهب اسلامی بر پایه اصولی کلی استوار است که مهم‌ترین آنها به این شرح است:

- ۱- قرآن مجید و سنت شریف نبوی، دو منبع اصلی و اساسی شریعت به شمار می‌رود و وجه مشترک تمامی مذاهب اسلامی نیز این دو منبع است و حجیت منابع دیگر نیز منوط به آن است که از این دو، الهام گرفته باشند.

۲- ایمان به اصول و ارکان ذیل، مهم‌ترین معیار انتساب به اسلام است:

الف - ایمان به وحدانیت خداوند متعال (توحید)؛

ب - ایمان به نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و این که سنت آن حضرت، بیان‌گر یکی از دو منبع

اصلی دین است؛

ج - ایمان به قرآن کریم و مفاهیم و احکام آن، به مثابه مهم‌ترین منبع احکام دین اسلام؛

د - ایمان به معاد (رستاخیز)؛

ه - عدم انکار ضرورت‌های دین و اعتقاد به ارکان اسلام، از جمله: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد و ...

۳- مشروعیت اجتهاد و آزادی بحث: دین مبین اسلام با مشروعیت بخشیدن به اجتهاد در چارچوب منابع اصلی اسلام، اختلاف‌های فکری را به رسمیت شناخته و به همین دلیل نیز مسلمانان باید اختلاف در اجتهادها را امری طبیعی تلقی کنند و به نظریات یک‌دیگر احترام بگذارند.

وحدت اسلامی از ویژگی‌های قرآنی امت اسلامی و در شمار اصولی است که اهمیت بسزایی داشته و در صورت تراحم، بر احکام دیگری که اهمیت کمتری دارند، برتری دارد.

اصل برادری اسلامی پایه عمومی نوع برخورد مسلمانان با یک‌دیگر است.

فصل سوم: رسالت مجمع و انتظارات آن

رسالت مجمع جهانی تقریب، در امور زیر خلاصه می‌شود:

اعتلای سطح آشنایی؛ آگاهی و تعمیق تفاهم میان پیروان مذاهب اسلامی؛ تقویت احترام متقابل و تحکیم پیوندهای برادری اسلامی میان مسلمانان، ضمن اجتناب از تبعیض ناشی از وابستگی‌های مذهبی، قومی و ملی، به منظور تحقق امت واحد اسلامی.

انتظارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی که ده‌ها تن از علمای مذاهب اسلامی از کشورهای مختلف جهان در آن عضویت دارند، یکی از مراکز مهمی است که به فراخوان‌های «تقریبی» و «وحدتی» در جهان اسلام، شناخته شده و راه همکاری سازنده میان پیروان مذاهب مختلف اسلامی را هموار ساخته است؛ در این راستا، مجمع در پی تحقق هدف‌های زیر طی ده سال آینده است:

۱- کوشش در جهت نزدیک نمودن اوضاع زندگی جامعه اسلامی به شرایط و اوضاع زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از نظر توجه به برادری دینی و از میان برداشتن جو دشمنی و تعصب فرقه‌ای میان پیروان مذاهب اسلامی؛

۲- گسترش هم‌بستگی عملی موجود میان برخی مذاهب اسلامی، تا شامل تمامی مسلمانان و دیگر مذاهب اسلامی گردد؛

۳- پذیرفتن اختلاف میان مذاهب که برخاسته از اجتهادهای منضبط است، از سوی عموم مسلمانان؛

۴- الگو قرار دادن رفتار ائمه و بزرگان مذهبی توسط پیروان مذاهب مختلف اسلامی.

فصل چهارم: عرصه‌های تقریب

عرصه‌های تقریب مذاهب اسلامی، شامل تمامی جنبه‌های زندگی پیروان این مذاهب می‌شود و در این میان می‌توان به طور مشخص به موارد زیر اشاره کرد:

عقاید:

تمامی مذاهب اسلامی دارای دیدگاه‌های یکسانی در مورد اصول اعتقادی و ارکان اسلام هستند و اختلاف در فروع نیز لطمه‌ای به اصل اسلام و برادری اسلامی نمی‌زند.

فقه و قواعد آن:

طبق دیدگاه محققان مذاهب اسلامی، ابواب فقهی متضمن نسبت بسیار بالایی از نقاط مشترک است و اختلاف در برخی مسائل فقهی، امری طبیعی است که علت آن نیز درک و برداشت فقها و اجتهادهای آنان می‌باشد.

اخلاق و فرهنگ اسلامی:

مذاهب اسلامی در مورد اصول اخلاقی و فرهنگ اسلامی در سطح فرد یا جامعه هیچ‌گونه اختلافی با یک‌دیگر ندارند؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود الگوی اخلاقی تمامی مسلمانان است.

تاریخ:

تردیدی نیست که مسلمانان نسبت به وحدت و روند تاریخی در مقاطع اصلی آن اتفاق نظر دارند و اختلاف‌های فرعی یا جزئی را نیز می‌توان در فضایی آرام مطرح کرد و در موارد بسیاری به توافق دست یافت. به هر حال، نباید اجازه داد اختلاف‌ها، پیامدهای زیان‌بار خود را بر روند حرکت کنونی امت بر جای گذارد.

مواضع سیاسی امت اسلام:

تردیدی نیست که مسلمانان همگی دارای دشمن مشترک هستند و شایسته است در صف واحد و هم‌چون دژی استوار، در برابر او بایستند. رهبران، علما و اندیشمندان اسلامی نیز باید سیاست واحدی در برابر دشمنان در پیش گیرند.

فصل پنجم: اصول و ارزش‌ها

با توجه به آنچه گذشت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سیاست‌های اصلاحی و اجرای برنامه‌های خود پای‌بند اصول و ارزش‌های زیر است:

- ۱- ضرورت همکاری کامل در مواردی که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند؛
- ۲- ضرورت در پیش گرفتن موضع منسجم و متحد در رویارویی با دشمنان اسلام؛
- ۳- اجتناب از تکفیر و تفسیق دیگر مسلمانان و ایراد تهمت بدعت به آنان. مسلمانان وظیفه دارند مشروعیت اجتهاد در چارچوب منابع اصلی اسلامی را به رسمیت بشناسند و مستلزمات و پیامدهای این اصل را حتی اگر در نظر اجتهادی آنان نادرست باشد، بپذیرند و درست نیست دیگری را به دلیل لوازم سخن یا نظری که به عقیده آنها او را به انکار اصول دین سوق می‌دهد، تکفیر نمایند، زیرا چه بسا او هیچ تعهدی به لوازم مزبور، نداشته باشد.
- ۴- برخورد احترام‌آمیز به هنگام اختلاف: وقتی اسلام در برخورد با پیروان سایر ادیان توصیه به تحمل دینی و سعه صدر می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد به مقدسات فکری و عقیدتی باطل دیگران، اهانت نکنند، به طریق اولی در چارچوب روابط مسلمانان با یک‌دیگر نیز بر اصل اجتناب از توهین به مقدسات پیروان مذاهب اسلامی و معذور داشتن هم‌دیگر در موارد اختلافی، تأکید می‌نماید.
- ۵- آزادی انتخاب مذهب: اصل آزادی‌گزینش مذهب یک اصل کلی در روابط فردی است که بر

مبنای آن، هر کس آزاد است مذهب خود را برگزیند و شایسته نیست که نهادها و حکومت‌ها، مذهب خاصی را بر کسی تحمیل کنند، بلکه آنها وظیفه دارند همه مذاهب اسلامی را به رسمیت بشناسند. عر آزادی عمل به احکام شخصی: در مورد آن چه به مسائل شخصی مربوط می‌شود، پیروان مذاهب اسلامی، از احکام مربوط به مذهب خویش پیروی می‌کنند، ولی در مورد آن چه به نظام عمومی مربوط می‌شود، ملاک نهایی، قوانین مصوب از سوی حکومت‌های شرعی و قانونی است.

۷- با استناد به آن چه در سوره مبارکه زمر آمده است: «فَبَشِّرْ عِبَادَ * الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ پس به بندگان من مژده بده، کسانی که گفتارها را می‌شنوند، آن‌گاه از بهترین آن پیروی می‌کنند»، قرآن کریم از مسلمانان می‌خواهد که اصل گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز با کفار و اهل کتاب را به دور از ارباب و تهدید و جار و جنجال و تنها به منظور دستیابی به حقیقت، آویزه گوش قرار دهند. بنابراین، به طریق اولی بر مسلمانان واجب است اختلاف‌های خود را از راه گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و رعایت آداب آن، میان خود حل و فصل کنند.

۸- لزوم توجه تمامی مسلمانان به جنبه‌های عملی تقریب و تجسم بخشیدن به این ارزش‌ها در زندگی خویش و کوشش همه جانبه در راه اجرای شریعت اسلامی در تمامی عرصه‌های زندگی.

فصل ششم: اهداف رسمی و سازمانی

۱- کمک به امر احیا و گسترش فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و دفاع از ساحت قرآن و سنت پیامبر

اکرم ﷺ؛

۲- کوشش در راه تحقق آشنایی و تفاهم هر چه بیشتر میان علما، اندیشمندان و رهبران دینی جهان اسلام در عرصه‌های عقیدتی، فقهی، اجتماعی و سیاسی؛

۳- گسترش ایده «تقریب» میان اندیشمندان و شخصیت‌های نخبه جهان اسلام و انتقال آن به توده‌های مسلمانان و روشن‌گری ایشان نسبت به توطئه‌های تفرقه‌افکنانه دشمنان علیه امت؛

۴- کوشش در راه تحکیم و گسترش اصل اجتهاد و استنباط در مذاهب اسلامی؛

۵- کوشش در ایجاد هماهنگی و تشکیل جبهه واحد در برابر توطئه‌های رسانه‌ای و شبیخون فرهنگی دشمنان اسلام، براساس اصول پذیرفته شده اسلامی؛

عر نفی همه موارد سوء ظن و شبهه‌های موجود میان پیروان مذاهب اسلامی.

در پرتو این استراتژی، برنامه ده ساله‌ای با موافقت شورای عالی «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» تدوین شد که «مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی» در دو سال گذشته اقدام به اجرای آن نموده است. بدون تردید هرگونه تعدیل و اصلاحی که مجمع عمومی در این

استراتژی به عمل آورد تأثیر کامل خود را بر ریز برنامه‌های بلند مدت و کوتاه مدت آن برجای خواهد گذاشت.

در این مجموعه می‌توان آن‌چه را که در برنامه کاری ده ساله برای رویارویی با چالش‌های امت اسلامی در قرن بیست و یکم آمده است اضافه نمود:

«سومین نشست فوق‌العاده کنفرانس سران اسلامی» در مکه مکرمه ۵ و ۶ ذی‌القعدة ۱۴۲۶ ه. ق (۱۶ و ۱۷ آذر ماه ۱۳۸۴ هجری شمسی) درباره «تعدد مذاهب»، موارد زیر را تصویب نمود:

۱- تأکید بر ضرورت تعمیق گفت‌وگو میان مذاهب اسلامی و نیز درستی اسلام پیروان آنها و عدم جواز تکفیر ایشان و حرمت خون و ناموس و اموال آنها تا زمانی که به خداوند متعال و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر ارکان ایمان، باور دارند و به ارکان اسلام احترام می‌گذارند و هیچ یک از ضروریات دین را منکر نشده‌اند؛

۲- محکوم ساختن اقدام به صدور فتوا از سوی ناهلان که به مثابه خروج از قواعد و ثوابت دینی و عدم توجه به داده‌های مسلم مذاهب اسلامی است؛ این امر مستلزم تأکید بر ضرورت پای‌بندی به روش‌مندی مورد تأیید علما است که در قطع‌نامه‌های کنفرانس بین‌المللی اسلامی منعقد شده در ژوئیه ۲۰۰۵م (تیر ماه ۱۳۸۴ هجری شمسی) در عمان و نیز در توصیه‌های نشست مقدماتی علما و اندیشمندان در تدارک کنفرانس سران - که به دعوت خادم الحرمين الشريفین طی ۹ تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۵م (۱۸ تا ۲۰ شهریور ماه ۱۳۸۴ ه. ش) در مکه مکرمه برگزار گردید- توضیح داده شده است.

ج- شیوه تدوین اسناد

پس از مشخص شدن استراتژی، اینک باید به بررسی اسنادی پرداخت که در جهت پیاده شدن این استراتژی و تعهد به اجرای آن، تنظیم گشته است.

حقیقت آن است که تاریخچه اسناد به پیش از وضع استراتژی‌ها باز می‌گردد و چه بسا شرایط، وجود انواعی از اسناد لازم را تحمیل کرده است. تاریخ به دنبال درگیری‌هایی که میان پیروان مذاهب مختلف و حتی مذاهب چهارگانه اهل سنت صورت می‌گرفت، شاهد طرح برخی از این اسناد بوده است. روایات تاریخی زیادی درباره وقوع این درگیری‌های خونین و اسناد صلحی که پس از آن به امضا رسیده است، وجود دارد، از جمله جنگ‌های عثمانی و صفوی و افغان‌ها که سردمداران هر یک از آنها گروهی از فقها را نیز برای حمایت از خود بسیج کرده بودند، تا این‌که نادر شاه افشار در ربع اول قرن هجدهم میلادی (۱۱۴۸-۱۱۶۰ ه. ق) با لیاقت و قدرت و هوشمندی خود صفویان را منقرض و فتنه افغان‌ها را قلع و قمع کرد؛ هم‌چنان‌که تیمور لنگ نیز پیش از آن از اختلاف‌های موجود میان

شیعه و اهل سنت برای تثبیت موقعیت خود بهره‌برداری کرد و سرانجام به حاکم مستبدی بدل گشت و با توجه به منافع خود میان گرایش به تشیع یا تسنن، مانور می‌داد و زمانی که منافع خود را برای تحقق رؤیاهای امپراطوری‌اش در «تقریب» یافت، مانع از مبادله تهمت و بروز تفرقه و پراکندگی گشت و با نوپردازی‌های مذاهب به مبارزه برخاست و آرامگاه‌های پیشوایان شیعه و سنی را بازسازی و مرمت نمود و با اعلام طرح خود برای «تقریب» از شهر «نجف اشرف»، جمع بزرگی از علمای شیعه و سنی را گرد آورد تا سند «تقریب» را تدوین کنند. (امین، ج ۸، ص ۱۷۵؛ اتری، ص ۹۲ و انصاری، ص ۴۳۷).

ولی او سه ماه بعد ترور شد و طرحش، همراه وی به خاک سپرده شد.
در عصر حاضر نیز کوشش‌هایی برای نگارش برخی اسناد صورت گرفته است که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- کوشش مرحوم «علامه شیخ محمد مهدی شمس‌الدین» نایب رئیس مجلس اعلاى شیعیان لبنان؛ او پس از اشاره به تجربه پیشتاز در قاهره و نیز تجربه روابط مستحکم مرحوم «حسن البنا» با علمای شیعه، از گفتمان وحدت در اعتقادات و شریعت سخن به میان می‌آورد و تأکید می‌کند فراخوان به حذف دیگری، فراخوانی غیر طبیعی است و خدمتی به روند وحدت نمی‌کند. سپس بر این نکته تأکید می‌کند که ما باید تحقق «تقریب» میان همه مذاهب اسلامی را آن‌چنان که میان مذاهب مختلف اشعری صورت گرفت، هدف قرار دهیم.

از جمله سیاست‌هایی که وی مطرح می‌سازد، مسئله منع تبشیر و تبلیغ در میان مسلمانان و واداشتن پیروان یک مذهب به ترک مذهب خویش و پیروی از مذهب دیگر به شیوه تبشیری است. هم‌چنان‌که به گشودگی فقهی در سطح مطالعه و پژوهش و اجتهاد از طریق تأسیس هیئتی ویژه مسائل وحدت و «تقریب» و انتشار مجله‌ای جهانی به زبان‌های زنده فرا می‌خواند و آن‌گاه بر تهیه میثاقی مبتنی بر ضرورت کوشش برای پذیرش دیگری با یاری گرفتن از روند گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها تأکید نموده و به حل اختلاف‌های سیاسی با ریشه‌های فرقه‌ای و فتوای تعصب‌آمیز دعوت می‌کند و علم کلام جدیدی را بر اساس در نظر گرفتن حقایق زیر مطرح می‌سازد:

- ۱- وحدت از جمله حقایق اعتقادی است.
- ۲- تأکید بر تأثیر عملی اصول دین.
- ۳- فراخوان به وحدت به معنای لغو مذاهب یا ادغام و تلفیق آنها در یک‌دیگر نیست بلکه به معنای تکیه کردن بر ثوابت عام و مشترک در عقیده و شریعت است.
- ۴- اختلاف‌های میان اهل سنت و شیعه، از جنس اختلاف میان خود مذاهب اهل سنت است.
- ۵- تکیه بر مطالعات مقایسه‌ای در عرصه‌های مختلف قرآنی و مباحث سنت.

ع اختلاف‌های سیاسی حاکمان به اختلاف‌های مذهبی، جنبه سیاسی بخشیده و لازم است گرایش‌های سیاسی، از ساختار معرفتی اسلام زدوده شود.

وی پس از آن، تأکید می‌کند که وحدت به معنای از میان رفتن کیان‌های ویژه نیست و از این رو در پلورالیسم سیاسی و سازمانی مانعی وجود ندارد و شیوه اهل بیت علیهم‌السلام نیز بر همین اساس است. و در همین راستا، به ارائه تفسیر دیگری از «تقیّه» می‌پردازد و از آن به عنوان یکی از کوشش‌های عملی شیعیان برای پاسداری از وحدت امت اسلامی نام می‌برد. آن‌گاه شالوده‌های زیر را برای این منشور در نظر می‌گیرد:

- ۱- ثوابت بزرگ اسلام بیان‌گر وحدت مسلمانان و نشان‌دهنده کیان امت اسلامی است؛
- ۲- مذهب‌گرایی پدیده‌ای طبیعی است و نباید به عنوان چندپارگی تلقی شود و مذاهب، صرف‌نظر از این‌که اقلیت یا اکثریت را تشکیل می‌دهند، دارای مشروعیت کامل می‌باشند و باید به باورها و برداشت‌های آنها احترام گذاشت؛
- ۳- مرجع درک و فهم هر مذهبی، عالمان و کتاب‌های اصلی و قابل قبول همان مذهب می‌باشد، نه نظریات استثنایی یا گفته‌های دیگران درباره آن؛
- ۴- تحریم تبشیر در درون اسلام [و تبلیغ مذهبی میان مسلمانان]؛ گو این‌که انتقال فردی از یک مذهب به مذهب دیگر به دلیل احراز پذیرش درونی، خالی از اشکال است و باید به آن احترام گذاشت.

در این جا وی به تقویت حرکت گشایش باب اجتهاد فرا می‌خواند و در عین حال خاطر نشان می‌سازد که دو نوع اجتهاد وجود دارد: ۱- اجتهادی که نیازهای پیروان یک مذهب را برآورده می‌سازد؛ ۲- اجتهادی که به نیازهای امت توجه نموده و آن را برآورده می‌کند و از سوی مجامع فکری و علمی صورت می‌گیرد. هم‌چنین، در این جا به فراخوان «آیت... العظمی بروجردی» در تأکید بر جنبه‌های مرجعیت علمی اهل بیت علیهم‌السلام و به تعویق انداختن بحث در جنبه‌های سیاسی و تاریخی، اشاره می‌کند.

۵- عدم توجه به وضع اقلیتی یا اکثریتی [پیروان مذاهب] - در این جا بر طبیعت وحدت‌گرایانه مذهب امامی، تأکید می‌کند. (مجله «رساله التقرب»، شماره ۳۲، صفحه ۱۷۷).

در این مرحله، شاهد روشنی بیشتر، هماهنگی گسترده‌تر و شهامت در طرح و پررنگ‌تر شدن اصطلاحات هستیم.

۲- «سند عمان» که با کوشش‌های دولت اردن شکل گرفت و در آن آمده است:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

و الصلاه و السلام علی سیدنا محمد و علی آله و سلم

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ اِی مردم! از پروردگارتان پروا کنید، همان که

شما را از تنی یگانه آفرید» (نساء/۱).

بیانیه صادره از سوی «کنفرانس بین‌المللی اسلامی» با عنوان: «حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه معاصر» در فاصله ۲۷ تا ۲۹ جمادی الاول ۱۴۲۶ ه.ق (برابر با ۲۴ تا ۲۶ ژوئیه ۲۰۰۵ م. در عمان پایتخت «پادشاهی اردن هاشمی» برگزار گردید.

ما امضا کنندگان زیر موافقت خود را با مواردی که در پی می‌آید، اعلام می‌کنیم:

۱- هر کس که از یکی از مذاهب چهار گانه اهل سنت و جماعت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) و مذهب جعفری و مذهب زیدی و مذهب اباضی و مذهب ظاهری، پیروی کند مسلمان است و نباید او را تکفیر کرد و جان و مال و ناموس وی از حرمت برخوردار است و نیز بر اساس آنچه در فتوای جناب «شیخ الازهر» آمده است، تکفیر صاحبان عقیده اشعری و آنهايي که به تصوف حقیقی گرایش دارند، جایز نیست؛ تکفیر صاحبان اندیشه سلفی صحیح نیز روا نیست.

هم‌چنان که تکفیر هر گروه دیگری از مسلمانان که به خداوند (سبحانه و تعالی) و به پیامبر او ﷺ و ارکان ایمان، باور دارند و به ارکان اسلام احترام می‌گذارند و هیچ یک از ضروریات دین را منکر نمی‌شوند نیز جایز نیست.

۲- آنچه میان مذاهب اسلامی مشترک است بسی بیش از موارد اختلافی آنهاست، زیرا پیروان مذاهب هشت گانه، جملگی اصول اساسی اسلام را قبول دارند؛ همگی به خداوند عزوجل، آن یگانه یکتا ایمان دارند و قرآن کریم را وحی الهی می‌شمارند و حضرت محمد ﷺ را پیامبر و فرستاده خدا برای تمامی بشریت می‌دانند؛ همگی در مورد ارکان پنج‌گانه اسلام، یعنی شهادتین، نماز، زکات، روزه ماه رمضان و حج بیت الله الحرام و نیز ارکان ایمان یعنی ایمان، به خدا، فرشتگان او، کتاب‌های آسمانی، پیامبران و فرستادگان، روز رستاخیز و خیر و شر و قضا و قدر الهی، اتفاق نظر دارند. اختلاف علمای پیرو مذاهب مختلف، فرعی است نه اصولی و از این رو رحمت به شمار می‌رود و از قدیم نیز گفته شده که اختلاف نظر علما، پدیده نیکویی است.

۳- به رسمیت شناختن مذاهب در اسلام به معنای پای‌بندی به روش‌مندی معینی در فتواهاست؛ هیچ‌کس حق ندارد بدون داشتن قابلیت‌های شخصی معینی که در هر مذهب مشخص گشته است، متصدی فتوا گردد. اقدام به صدور فتوا بدون پای‌بندی به روش‌مندی مذاهب نیز جایز نیست؛ هیچ‌کس حق ندارد مدعی اجتهاد گردد و مذهب جدیدی را مطرح سازد یا فتواهای غیر قابل قبولی

ارائه دهد که مسلمانان را از قواعد شریعت و اصول مسلم و ثوابت شریعت و مذاهب آن خارج سازد.

۴- نکته اصلی «پیام عمان» که در شب قدر سال ۱۴۲۵ هجری قمری صادر و در «مسجد هاشمیین» قرائت شد، پای‌بندی به مذاهب و روش‌مندی آنها است. به رسمیت شناختن مذاهب و تأکید بر گفت‌وگو و دیدار و تفاهم میان آنها، ضامن اعتدال و میانه‌گرایی و تسامح و رحمت و هم‌دلی و هم‌زبانی با دیگران است.

۵- ما به دورافکندن اختلاف‌ها میان مسلمانان و به توحید کلمه و مواضع ایشان و نیز احترام به یک‌دیگر و تحکیم هم‌بستگی خلق‌ها و دولت‌های ایشان و تقویت روابط برادری که آنان را بر دوستی در راه خدا گردهم می‌آورد، فرا می‌خوانیم و از مسلمانان می‌خواهیم فرصتی به فتنه‌انگیزی و دخالت در کار خود ندهند، زیرا خداوند عزوجل می‌فرماید:

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ؛ جز این نیست که مؤمنان برادرند، پس میان دو برادرتان را آشتی دهید و از خداوند پروا کنید، باشد که بر شما بخشایش آورند.» (حجرات/۱۰).

والحمد لله وحده.»

تعداد ۷۵ عالم و شخصیت دینی این سند را امضا کردند و نشست بعدی «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» [هفدهمین نشست] در عمان، آن را تأیید نموده و قطع‌نامه زیر را صادر کرد:

«به‌نام خداوند بخشنده مهربان

الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سیدنا محمد خاتم النبیین و علی آله و صحبه

اجمعین .

مصوبه شماره ۱۵۲ (۱/۱۷)

در مورد: «اسلام و امت یگانه و مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی»

شورای «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» در هفدهمین نشست خود که از ۲۸ جمادی‌الاول تا دوم جمادی‌الثانی ۱۴۲۷ هـ. ق (برابر با ۲۴ تا ۲۸ ژوئن ۲۰۰۶م) در «عمان» (پادشاهی اردن هاشمی) برگزار شد، پس از آگاهی بر مباحث و پژوهش‌های ارائه شده به مجمع در خصوص موضوع «اسلام و امت یگانه و مذاهب عقیدتی، فقهی و تربیتی» و در پی قرار گرفتن در جریان بحث‌ها و تبادل نظرهایی که در این باره مطرح شد و به دنبال از نظر گذراندن مصوبات و قطع‌نامه‌های «کنفرانس بین‌المللی اسلامی» که در سال ۱۴۲۵ هـ. ق (۲۰۰۵م) برگزار شد و به بررسی و پذیرش اصول مندرج در پیام عمان - که به نوبه خود مورد تأیید علما و اندیشمندانی قرار گرفت که برای تدارک سومین

نشست فوق‌العاده کنفرانس سران اسلامی در مکه مکرمه گرد هم آمده بودند - فراخواند، موارد زیر را از تصویب گذراند:

۱- در تمام مباحث و پژوهش‌هایی که در این موضوع تهیه شده، نسبت به قواعد اساسی و کلی اسلام اتفاق نظر وجود داشته و مذاهب عقیدتی، فقهی و تربیتی، اجتهادات علمای اسلام و به قصد عملی‌تر ساختن آن تلقی گردیده است؛ همه این مذاهب به دنبال بنای وحدت امت و غنی‌سازی فکری آن و در راستای تحقق رسالت جاودانی اسلام هستند. مباحث مربوط به این موضوع با مطالب ارائه شده در «پیام عمان» شامل «بیان و توضیح حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه معاصر»، هم‌خوانی دارد.

۲- تأکید بر مصوبات «کنفرانس بین‌المللی اسلامی» که با عنوان «حقیقت اسلام و نقش آن در جامعه معاصر» در عمان (پایتخت پادشاهی اردن هاشمی) برگزار گردید. به دلیل هم‌سویی این مصوبات با مباحث ارائه شده در این موضوع، در پیش‌درآمد این مصوبه‌ها، به فتواها و مصوبات صادر شده از سوی هیئت‌های فتوا و علمای بزرگ در مذاهب متعدد اشاره شده است.

۳- تأکید بر مصوبه شماره ۹۸ (۱/۱۱) «مجمع فقه اسلامی» در خصوص وحدت اسلامی و توصیه‌های پیوستی و فعال‌سازی مکانیسم‌های مطرح در آن به منظور تحقق وحدت اسلامی، که پایان‌بخش آن، درخواست از دبیرخانه مجمع برای ایجاد کمیته‌ای از اعضا و کارشناسان خود و تشکیل آن زیر نظر «سازمان کنفرانس اسلامی» برای ارائه مطالعه‌ای عملی و قابل اجرا و در نظر گرفتن ابزارهای تحقق وحدت در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بود.

۴- تدوین قواعدی عام برای مسائل و موضوعات مورد توافق و برجسته‌سازی آنها و برشمردن موارد اختلافی و ارجاع آنها به اصول شرعی مورد استناد خود و مطرح ساختن بی‌طرفانه و در نهایت امانت مذاهب در چارچوب بزرگداشت مشترکات و احترام به تفاوت‌ها.

۵- آموزش فقه وحدت اسلامی، ادب اختلاف و مناظره هدف‌مند به محصلان دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها.

۶- احیای مذاهب تربیتی پای‌بند به مقتضیات کتاب و سنت به عنوان ابزاری برای کاستن از گرایش‌های مادی مسلط در این دوران و جلوگیری از شیفتگی به آیین‌های رفتاری بیگانه با اصول اسلامی.

۷- اقدام علمای همه مذاهب اسلامی به روشن‌گری و تبلیغ آیین اعتدال و میانه‌گرایی با استفاده از همه ابزارهای عملی، از جمله دیدارهای رو در رو، میزگردها و برگزاری سمینارهای علمی - تخصصی و کنفرانس‌های عمومی و با بهره‌گیری از نهادهای مرتبط با تقریب مذاهب، به منظور

اصلاح دیدگاه‌ها نسبت به مذاهب اعتقادی و فقهی و تربیتی به مثابه آیین‌های متنوعی برای اجرای اصول و احکام اسلامی و به این دلیل که اختلاف میان آنها، اختلافی تنوعی - تکاملی است نه تضادی، و نیز ضرورت عمومیت بخشی به آشنایی با این مذاهب و ویژگی‌ها و مزیت‌های هر کدام و توجه به ادبیات آنها.

۸- احترام به مذاهب، مانع از نقد هدف‌مندی نیست که غرض از آن گسترش موارد اشتراک و کاستن از نقاط اختلاف می‌باشد؛ در این راستا باید فرصت گفت‌وگوی سازنده میان مذاهب اسلامی در پرتو کتاب خدا و سنت پیامبر گرامی اسلام ﷺ در جهت تحکیم وحدت مسلمانان، فراهم شود.

۹- لازم است با مذاهب و گرایش‌های فکری معاصر که با مقتضیات کتاب خدا و سنت نبوی در تعارض می‌باشند مقابله گردد و هم‌چنان که زیاده‌روی روا نیست، بی‌توجهی و کوتاهی در پذیرش هر فراخوان، هرچند تردیدبرانگیز، نیز جایز نیست و حتماً باید ضوابطی برای پاسداری از شایستگی نام اسلام، در نظر گرفته شود.

۱۰- تأکید بر عدم مسئولیت مذاهب عقیدتی، فقهی و تربیتی در ازای اقداماتی چون قتل بیگناهان، هتک ناموس و اتلاف اموال و دارایی‌های مردم که به نام آنها صورت می‌گیرد.
توصیه‌ها:

(۱) شورای دبیرخانه «مجمع فقه اسلامی»، برگزاری سمینارها و گردهمایی‌هایی را با هدف پرداختن به علل و اسباب ایجاد نفرت و دشمنی میان پیروان مذاهب مختلف توصیه می‌کند تا در آنها، مقولات یا اسناد و مواردی که فهم یا اجرا یا فراخوانی به آنها، سوءتفاهم‌هایی را در پی داشته است، بازخوانی شود؛ مقولاتی هم‌چون:

الف - مسئله «الولاء و البراء»؛

ب - حدیث «فرقه ناجیه» و نتایجی که بر اساس آن گرفته می‌شود؛

ج - ضوابط و معیارهای تکفیر، تفسیق، تبذیر [کافر، فاسق یا بدعت‌گذار دانستن کسی] بدون افراط و تفریط؛

د - حکم به ارتداد و شرایط اجرای حد؛

ه - توسع در گناهان کبیره و آنچه بر ارتکاب آنها مترتب می‌گردد؛

و - تکفیر به دلیل عدم اجرای همه‌جانبه احکام شریعت بدون تمیز در شرایط و حالات مختلف.
(۲) شورای دبیرخانه «مجمع فقه اسلامی» به مقامات مربوطه در کشورهای اسلامی توصیه می‌کند در جهت پیش‌گیری از چاپ، نشر و توزیع جزوات، نشریات یا کتاب‌هایی که تفرقه را تعمیق می‌بخشند یا بدون داشتن مستمسک شرعی مورد اتفاقی، دسته‌ای از مسلمانان را به کفر یا گمراهی توصیف می‌کنند، تلاش نمایند.

۳) شورای دبیرخانه «مجمع فقه اسلامی» مقامات مربوط را به استمرار در تحقق مرجعیت همه جانبه شریعت اسلامی در تمامی قوانین و اقدامات خویش، توصیه می‌کند.»

۳- سند عراق: پس از حوادث تأسفانگیزی که در عراق اتفاق افتاد، گروهی از علمای شیعه و اهل سنت با نظارت «سازمان کنفرانس اسلامی» در مکه مکرمه گردهم آمدند و سند زیر را به امضا رساندند:

«به نام خداوند بخشنده مهربان»

الحمد لله رب العالمین و الصلاه و السلام علی رسول الله محمد و آله و صحبه اجمعین و بعد: با توجه به اوضاع عراق و حوادث روزانه آن در ریخته شدن خون بیگناهان و تجاوز به اموال و دارایی‌ها با ادعاهایی که پوشش اسلامی دارد و اسلام از آنها بری است و در لیبیک به فراخوان دبیر کل «سازمان کنفرانس اسلامی» و با حمایت «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» وابسته به «سازمان کنفرانس اسلامی»، ما علمای اهل سنت و شیعه عراق در ماه رمضان سال ۱۴۲۷ هـ ق (۱۳۸۵ هـ ش) گردهم آمدیم و مسائل عراق و درد و رنجی که مردم این کشور به خود می‌بینند و فجایی را که بر ایشان می‌گذرد، از نظر گذرانیدیم و متن سند زیر را صادر کردیم:

یکم: مسلمان کسی است که شهادت «لا اله الا الله» و «محمداً رسول الله» گوید و با این شهادت، جان و مال و ناموسش - جز به حق و طبق محاسبه الهی - در امان است و سنی و شیعه جملگی شامل این مقوله می‌شوند. بخش‌های مشترک میان این دو مذهب به مراتب بیش از موارد و علل اختلاف آنهاست. اختلاف‌های این دو مذهب نیز در صورت وجود، اختلاف‌هایی در تفسیر و نظر و نه در اصول ایمانی یا ارکان اسلامی است. شرعاً نیز جایز نیست هر یک از پیروان این مذاهب، کسی از پیروان مذهب دیگر را تکفیر کند، زیرا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود فرموده است: «هر کس برادرش را «ای کافر!» خطاب کند، گرفتار آن می‌گردد». شرعاً نیز جایز نیست که مذهبی را به علت جنایات برخی پیروان آن، محکوم سازیم.

دوم: خون مسلمانان و ناموس ایشان بر آنها حرام است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مَتَمَدًّا فِجْرًا وَهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعْنَةُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا؛ و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد، کيفر او دوزخ است که در آن جاودانه خواهد بود و خداوند بر او خشم می‌گیرد و لعنت می‌فرستد و برای او عذابی سترگ، آماده می‌کند» (نساء، ۹۳) و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «همه چیز مسلمان، یعنی خون و مال و ناموس وی، بر مسلمان حرام است.» و بنابراین هرگز جایز نیست مسلمان شیعه یا سنی در معرض قتل یا آزار یا تهدید و تجاوز به مال یا تحریک به اعمالی از این قبیل، قرار گیرد یا وادار به ترک شهر و دیار و محل اقامتش گردد یا به علت عقیده یا مذهبش، خود وی

یا یکی از بستگانش به گروگان گرفته شود و هرکس چنین کند همه مسلمانان اعم از مراجع، علما و عامه آنان، از وی برئ الذمه می‌گردند.

سوم: مراکز عبادی شامل مساجد، حسینیه‌ها و اماکن عبادی غیر مسلمانان حرمت خود را دارند و تعدی به آنها، مصادره آنها یا استفاده از آنها به عنوان پناهی برای کارهای منافی شرع، جایز نیست و بر اساس قاعده‌های فقهی مسلم نزد همه مذاهب، «اوقاف باید تابع شرط وقف کنندگان باشد» و «شرط وقف کننده هم‌چون نص شارع مقدس است» و نیز طبق قاعده «عرف شناخته شده باید چون شرطی در نظر گرفته شود»، این اماکن باید در اختیار صاحبانش باقی بماند و آنچه از ایشان غضب شده به آنان بازگردانده شود.

چهارم: جنایات ارتكابی براساس هویت مذهبی قربانیان، آن‌گونه که در عراق اتفاق می‌افتد، عین فساد بر روی زمین است که خداوند متعال در آیه ذیل آن را تحریم نموده است: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِی الْأَرْضِ لِیُفْسِدَ فِیْهَا وَ یُهْلِكَ الْحَرْثُ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا یُحِبُّ الْفُسَادَ؛ و چون به سرپرستی در کاری دست‌رسی یابد، می‌کوشد که در زمین تبهکاری ورزد و کشت و پشت را نابود کند و خداوند تباهی را دوست نمی‌دارد.» (بقره/۲۰۵). پیروی از مذهبی- هر چه باشد- هرگز توجیهی برای قتل یا تجاوز نیست حتی اگر برخی پیروان آن مذهب، کاری سزاوار عقاب مرتکب شوند: «وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ و هیچ بار برداری، بار (گناه) دیگری را بر نمی‌دارد.» (انعام/۱۶۴)

پنجم: لازم است از برانگیختن حساسیت‌ها و تفاوت‌های مذهبی، نژادی، جغرافیایی و زبانی دوری جست، هم‌چنان‌که باید از زشت خواندن یک‌دیگر و اطلاق صفات ناپسند و توهین‌آمیز از سوی هر طرف به طرف دیگر، اجتناب ورزید؛ قرآن کریم چنین اقداماتی را به عنوان «بزهکاری» توصیف کرده است: «وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَ لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَ مَنْ یَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ... و در میان خود عیب‌جویی نکنید و هم‌دیگر را با لقب‌های ناپسند، نخوانید؛ پس از ایمان، «بزهکاری»، نام‌گذاری ناپسندی است و آنان که از این کارها بازنگردند، ستمکارند.» (حجرات/۱۱).

ششم: آنچه باید بدان پای‌بند بود و مورد کم‌توجهی و بی‌مبالاتی قرار نداد، وحدت و هم‌دلی و همیاری و همکاری در نیکی و تقوا و رویارویی با هر تلاشی برای خدشه وارد آوردن به آن است؛ خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ جز این نیست که مؤمنان برادرند.» (حجرات/۱۰) و نیز می‌فرماید: «وَ إِن هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ أَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ؛ و این امت شماست، امتی یگانه و من پروردگار شمایم، پس از من پروا کنید» (مؤمنون/۵۲). از دیگر مقتضیات این امر، لزوم احترام همه مسلمانان از اختلاف‌افکنی میان خود و پراکنده ساختن یک‌دیگر و ایجاد فتنه‌های مفسده‌جویانه علیه هم‌دیگر است.

هفتم: مسلمانان - اعم از سنی و شیعه - یار و یاور ستم‌دیدگان و هم‌پیمان علیه ستمکاران‌اند و این آیه قرآنی و سخن الهی را آویزه گوش قرار می‌دهند: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ به راستی خداوند به دادگری و نیکی کردن و ادای حق خویشاوند فرمان می‌دهد و از کارهای زشت و ناپسند و افزون‌جویی باز می‌دارد؛ به شما اندرز می‌دهد، باشد که شما پند گیرید.» (نحل/۹۰) و به این منظور باید در جهت پایان بخشیدن به ستمگری‌ها و پیشاپیش همه، رهاسازی گروگان گرفته‌شدگان بی‌گناه و گروگان‌های مسلمان و غیر مسلمان و بازگرداندن رانده‌شدگان به اماکن اصلی خویش، کوشش شود.

هشتم: علما، وظایف دولت عراق را در تحقق و گسترش امنیت و حمایت از ملت عراق و فراهم آوردن شرایط زندگی شرافت‌مندانه برای همه گروه‌ها و بخش‌های آن و برقراری عدالت میان فرزندان این آب و خاک که مهم‌ترین ابزار این اقدامات نیز رهاسازی زندانیان بی‌گناه و احاله هرچه زودتر کسانی که دلایل جنایی در حق ایشان وجود دارد به دادگاه عادلانه و اجرای حکم آنها و اعمال دقیق اصل برابری میان شهروندان است، خاطر نشان می‌سازند.

نهم: علمای سنی و شیعه، همه کوشش‌ها و ابتکارات مربوط به تحقق سازش ملی همه جانبه در عراق را بر اساس آیه کریمه «وَالصُّلْحُ خَيْرٌ» (نساء/۱۲۸) و نیز آیه: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ» (مانده/۲) مورد تأیید قرار می‌دهند.

دهم: مسلمانان سنی و شیعه در صفی متحد و یک‌پارچه و در جهت پاسداری از استقلال عراق و وحدت و تمامیت سرزمین و تحقق اراده آزاد ملت آن، کنار یک‌دیگر قرار می‌گیرند و در احیای توانایی‌های نظامی و اقتصادی و سیاسی خویش با هم‌دیگر مشارکت می‌کنند و در راستای پایان بخشیدن به اشغال و بازبایی نقش فرهنگی، تمدنی، عربی، اسلامی و انسانی عراق، می‌کوشند.

علمای امضاکننده این سند، تمامی علمای اسلام در عراق و خارج عراق را فرا می‌خوانند تا محتوای این بیانیه را تأیید کنند و به آن پای‌بند باشند و مسلمانان عراق را نیز به این کار تشویق نمایند و در حالی که در سرزمین وحی الهی حضور دارند، از خداوند متعال مسئلت دارند که دین همه مسلمانان را پاس دارد و سرزمینشان را امنیت بخشد و عراق مسلمان را از این گرفتاری برهاند و روزگار دشوار و پر از فتنه آن را پایان بخشد و این کشور را سپر نیرومند امت اسلام در برابر دشمنانش قرار دهد.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین».

۴- کوشش تهران در تدوین منشور وحدت اسلامی به مناسبت اعلام سال ۱۳۸۶ هجری شمسی به عنوان «سال وحدت ملی و انسجام اسلامی» از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران «آیت ... خامنه‌ای»؛ این طرح دارای ویژگی‌های زیر است:

۱- هماهنگی کامل با استراتژی‌های پیش گفته در این مقاله و البته هم‌سویی با آموزه‌های اسلامی.

۲- جامعیت؛ یعنی فراتر رفتن از حالت‌های خاص با اشاره به هدف اصیل و سیاست‌های لازم و برنامه‌های کلی پیشنهادی که به آن، ویژگی عام و توان اجرایی، صرف‌نظر از شرایط متنوع زمانی و مکانی، می‌بخشد.

۳- بهره‌گیری از تمامی کوشش‌های پیشین در این زمینه.

۴- صراحت در حل مشکلات موجود.

ما ضمن انتشار متن پیشنهادی «منشور وحدت اسلامی»، از خداوند عزوجل مسئلت داریم امت ما را در بازیابی ویژگی‌ها و تحقق اهداف مورد نظر خود، موفق و مؤید بدارد.

منشور وحدت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيد البشرية و مقتداها محمد النبي الامين وآله الطاهرين و صحبه الميامين ومن تبعهم باحسان الى يوم الدين.

بر پایه ایمان به این که اسلام، امانتی نزد مسلمانان است و دفاع از حریم و مقدسات آن بر همه واجب است، و با ملاحظه تأکید اسلام بر پای‌بندی به همه اموری که به وحدت اسلامی می‌انجامد و روابط برادرانه را بین امت‌ها برقرار می‌سازد و منطق عقلانی و زبان گفت‌وگو را ترویج می‌نماید و همکاری، هم‌بستگی، هم‌دلی و مصالح عالی‌ه اسلام را تحقق می‌بخشد، و نظر به ابعاد تهاجم گسترده و ناجوانمردانه دشمنان اسلام، استکبار جهانی و صهیونیسم بر فرهنگ، ارزش‌ها، منافع و استقلال امت اسلامی و ضرورت بسیج همه نیروهای مادی و معنوی در برابر این تجاوزات و دشمنی‌ها:

ما دانشمندان و متفکران امضاکننده این منشور، پس از آگاهی از گام‌های ارزشمندی که علمای مسلمان در گذشته، در مکه مکرمه، تهران، اقمان، قاهره و ... برداشته‌اند، بر ایمان و پای‌بندی عمیق خود به مبانی، اصول و شیوه‌های زیر تأکید نموده، دیگران را به التزام به آن دعوت می‌کنیم:

مبانی:

یکم: اسلام، دین خاتم و تنها راه اعتلای انسانیت و امانتی نزد مسلمانان است؛ از این رو بر مسلمانان است که آن را در همه عرصه‌های زندگی، پیاده کرده و از حریم و مقدسات آن دفاع کنند و مصالح عالی‌ه آن را بر تمامی مصلحت‌ها، مقدم بدارند.

دوم: قرآن مجید و سنت شریف نبوی ﷺ، دو منبع اساسی قانون‌گذاری اسلام و سایر تعالیم آن بوده و همه مذاهب اسلامی، بر حجیت و حقایق این دو منبع، اتفاق نظر دارند و اعتبار سایر منابع را برگرفته و مستند به این دو می‌دانند.

سوم: ایمان به اصول و ارکان زیر، ملاک مسلمانی افراد است:

الف: ایمان به یگانگی خداوند متعال (توحید):

ب: ایمان به نبوت و خاتمیت رسول اکرم ﷺ و این‌که سنت آن حضرت، یکی از دو منبع اساسی دین است؛

ج: ایمان به قرآن کریم، مفاهیم و احکام آن، به عنوان منبع اول دین اسلام؛

د: ایمان به معاد؛

ه: عدم انکار مسلمات مورد اتفاق دین و اعتقاد به ارکان اسلام، مانند: نماز، زکات، روزه، حج، جهاد و...

چهارم: اسلام راستین با به رسمیت شناختن اصل اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی، اختلافات فکری را پذیرفته است؛ از این رو بر مسلمانان است که تنوع اجتهادها را امری طبیعی دانسته و به رأی دیگران احترام بگذارند.

پنجم: وحدت امت اسلامی و پاسداری از مصالح و منافع عمومی مسلمانان، اصلی مهم و برادری اسلامی اساس هر نوع همکاری، تعامل و هم‌بستگی بین مسلمانان به شمار می‌رود.

چشم‌اندازها:

ششم: ضرورت دارد علما و اندیشمندان اسلامی موارد زیر را نصب العین خویش قرار دهند:

- ۱- تلاش برای نزدیک ساختن جامعه امروز اسلامی به شرایط و وضعیت صدر اسلام در راستای گسترش برادری دینی، همکاری و همیاری و تقوا پیشه‌نمودن و ایستادگی در برابر چالش‌ها، توصیه به حق و صبر و دوری از تفرقه و کشمکش و هر چه باعث سستی و ضعف مسلمانان می‌شود.
- ۲- الگو قرار دادن رفتار ائمه مذاهب اسلامی با یک‌دیگر و گسترش آن در میان پیروان امروز آنان.
- ۳- گسترش فرهنگ هم‌بستگی بین مسلمانان تا جایی که همه آنها، اختلافات فکری بین خود را پذیرفته و آن را نتیجه اجتهاد قانون‌مند بدانند.

هفتم: بر علما و اندیشمندان است که حرکت بیداری اسلامی را تقویت، تعمیق و هدایت نمایند و به‌منظور آشنایی مسلمانان با یک‌دیگر، بر نزدیکی بین پیروان مذاهب، تحقق اُلفت دینی و اخوت اسلامی برپایه اصول ثابت و مشترک اسلامی تأکید ورزند.

زمینه‌های تقریب:

هشتم: تقریب مذاهب اسلامی همه عرصه‌های زندگی پیروان مذاهب را در برمی‌گیرد و شامل عقاید، فقه، اخلاق، فرهنگ و تاریخ می‌شود.

برنامه‌های عمومی:

نهم: علاوه بر آنچه گذشت، برنامه‌ریزی‌های زیر هم برای تحقق تقریب مذاهب اسلامی لازم است:

۱- ضرورت همکاری کامل در مواردی که مسلمانان بر آن اتفاق نظر دارند.

۲- بسیج همه نیروهای مادی و معنوی در راه اعتلای کلمه الله و اجرای اسلام به‌عنوان استوارترین راه سعادت.

۳- موضع‌گیری هماهنگ و واحد در برابر دشمنان اسلام، به خصوص در مسائلی که مورد اهتمام همه امت اسلامی است، مثل: مسئله افغانستان، عراق و...

۴- خودداری مسلمانان از تکفیر و تفسیق یک‌دیگر و نسبت بدعت به هم دادن.

ما به عنوان مسلمانانی که به مشروعیت اجتهاد در چارچوب منابع اسلامی باور داریم، باید لوازم و تبعات این اصل را نیز بپذیریم، هر چند نظر اجتهادی دیگران، به باور ما خطا باشد. باید داوری خود درباره اختلافات را از سطح ایمان و کفر، به سطح درست و نادرست، تغییر دهیم. هم‌چنین تکفیر دیگران به خاطر لوازم گفته یا رأی آنان که به گمان ما به انکار اصول دین منجر می‌شود، ولی آنان خود این لوازم را قبول ندارند، جایز نیست.

۵- برخورد محترمانه با اختلافات، به عنوان نتیجه پذیرش تعدد اجتهاد در اسلام.

۶- بی‌حرمتی نکردن به مقدسات دیگران؛ وقتی اسلام به نوعی شکیبایی دینی در مناسبات خود با سایر ادیان توصیه می‌کند و از مسلمانان می‌خواهد به مقدسات فکری و اعتقادی باطل دیگران، بی‌حرمتی ننمایند، به طریق اولی در مناسبات بین مسلمانان، بر اصل اجتناب از بی‌حرمتی به مقدسات پیروان مذاهب اسلامی و احترام به اهل بیت پاک رسول الله ﷺ و اصحاب راست کردارش تأکید می‌نماید.

۷- عدم تحمیل مذهبی خاص بر افراد توسط سازمان‌ها و حکومت‌ها با سوء استفاده از ضعف و نیاز آنان؛ باید با به رسمیت شناختن مذاهب اسلامی معتبر، بر اساس اصول یاد شده، پیروان آنها را از تمامی حقوق شهروندی برخوردار ساخت.

۸- آزاد بودن در عمل به احکام شخصی؛ در مسائل مربوط به احوال شخصی، پیروان مذاهب

اسلامی تابع مقررات مذهب متبوع خود هستند، اما در امور مربوط به نظم عمومی، قوانین جاری کشور متبوع آنان، حاکم خواهد بود.

۹- از آنجا که قرآن کریم مسلمانان را به اصل گفت‌وگوی منطقی با دیگران به دور از هیاهو و ایجاد رعب و به هدف دست‌یابی به حقیقت، دعوت کرده است، بنابراین بر مسلمانان به طریق اولی واجب است اختلافات خود را از طریق گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و با رعایت آداب منطقی و اخلاقی حل کرده و گام‌های عملی در این راه بردارند و به بعد عملی تقریب و تبلور ارزش‌های آن در زندگی، اهتمام داشته باشند.

۱۰- باب بحث و گفت‌وگو در جنبه‌های تاریخی، عقیدتی و فقهی مورد اختلاف بین مسلمانان باز است و باید توسط متخصصان و با تکیه بر روح برادری، بی‌طرفی و حقیقت‌جویی انجام شود. از این رو شایسته است مراکز تخصصی خاص برای گفت‌وگو در مسائل عقیدتی، فقهی و تاریخی تأسیس گردد.

۱۱- آموزش فقه وحدت اسلامی، آداب اختلاف و مناظره هدف‌مند در فقه، کلام و تفسیر موضوعی و تطبیقی در فضایی از احترام متقابل و عدم خرده‌گیری نسبت به آرای یک‌دیگر، در حوزه‌ها و مراکز علمی.

۱۲- احیای مکتب‌های تربیتی پای‌بند به کتاب و سنت، به عنوان وسیله‌ای برای کاهش گرایش‌های مادی افراطی و راه‌حلی جهت پیش‌گیری از فریب‌کاری مسلک‌های نوظهور و ناآگاه نسبت به اصول اسلامی.

۱۳- اهتمام علمای مذاهب به ترویج شیوه اعتدال و میانه‌روی، با به‌کارگیری همه ابزارهای علمی، ملاقات‌ها، سمینارهای علمی- تخصصی و کنفرانس‌های عمومی با استفاده از مؤسسات تقریبی و با هدف تصحیح نگاه به مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی، به عنوان شیوه‌های گوناگون اجرای اسلام و این‌که اختلاف بین مذاهب، اختلاف تنوع و تکامل است، نه اختلاف تضاد و نیز ضرورت شناخت ویژگی‌ها و امتیازات هر یک از مذاهب و آشنایی با ادبیات آنها.

۱۴- مقابله با مکاتب و گرایش‌های فکری افراطی و تندرو متعارض با کتاب و سنت. باید ضوابط ذکر شده در بندهای گذشته درباره شرایط اسلامی بودن گروه‌ها و گرایش‌ها را در نظر داشت.

۱۵- تأکید بر عدم مسئولیت مذاهب اعتقادی، فقهی و تربیتی در برابر اعمال اشتباه پیروان آنها، مانند کشتار بیگانهان، هتک آبرو و حیثیت افراد، نابود کردن سرمایه‌ها و ... و ضرورت اتخاذ تصمیماتی برای جلوگیری از اعمالی که شکاف بین مسلمانان را بیشتر کرده و نسبت کفر و گمراهی را متوجه آنان می‌سازد.

و نیز تلاش برای حذف اعمال و مسائل تحریک‌کننده و فتنه‌انگیزی که باعث خشم مسلمانان و پراکندگی آنان می‌شود.

۱۶- انحصار صدور فتوا به کسانی که در شناخت کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علوم مربوط به آن مانند فقه و اصول، تخصص داشته، توانایی استنباط احکام شرعی از منابع آن را داشته باشند و به موضوعات، اوضاع و احوال مردم و مقتضیات زمان نیز آگاه باشند.

منابع و مأخذ

- ۱- آذرشب، محمدعلی، ملف التقریب، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۲- اثری، محمد بهجت، ذرائع المصیبات.
- ۳- امین، سید محسن، اعیان الشیعه، ج ۸.
- ۴- انصاری، قصه الطوائف.
- ۵- دعوة التقریب، انتشارات شورایعالی.
- ۶- مجله رساله الاسلام.

